

آسیب‌شناسی تصحیح و چاپ متون (۱۷)

ساختار کتاب

حالی به خود جسارت می‌دهد چنین ادعاهایی بکند که خوب می‌داند، قداست قلم با سوگند الهی تضمین شده و نویسنده آن، به فرموده خالق لوح و قلم «و ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید» و به تصریح امیر بیان علی (ع) «ذمتی بما اقول رهینة» ضامن و مسئول آن چیزی است که می‌نویسد؛ چه این کمینه معتقد است که هرگز از استماع هیچ پند و اندرز و مشورت عالمانه‌ای سرباز نزده و سعی بر محقق نمودن و انجام احسن آن را داشته است.

با این مقدمه، وقتی به وضع موجود نشر آثار مرکز می‌نگریم، سیر تحول و تطور تولید آثار روزبه‌روز رو به بهبود نمود داشته است، لیکن اعتراف می‌کنیم، هنوز با آنچه در ظرف آرمان و معیار قرار دارد — اگر مقایسه شود — فاصله بسیار است، هرچند به زعم عالمان منصف در این زمینه ابتکاری شایان و گامی جدی در عرضه علمی نشر کتاب برداشته‌ایم. البته این تفاوت کار و حاصل آثار، با کیفیت منشورات دیگر ناشران نامدار — که گاه به دلیل کثرت انتشار، ناشر سال هم می‌شوند — از چشم ناظران پوشیده نیست.

در شماره‌های قبل در خصوص موضوع «داوری علمی و نقد حرفه‌ای» به تفصیل سخن گفتیم. هرچند آثار بزرگان و متخصصان هر دانش، نیاز به داوری پیش از انتشار ندارد — چه در واقع آنان حاصل عمر خود را قلمی کرده‌اند — ولی پس از انتشار باید پاسخگویی انتقادات منصفانه باشند. زیرا همان‌طور که بزرگان گفته‌اند: «حیات العلم بالنقد و الرد». با این وصف کاری که اخیراً مرکز پژوهشی میراث مکتوب پس از درج نقد آثار خود و دیگر ناشران در دو نشریه آینه میراث و

صنعت نشر در کشور ما هنوز فاصله زیادی با وضع مطلوب و آرمانی آن دارد. هنوز تعریف درستی از ساختار یک کتاب داده نشده و یا اگر داده شده — مطابق یک ضرب‌المثل چینی — عمل ناشران ما چنان بلند فریاد می‌زند که نشان از محقق‌نشدن چنین آرزویی دارد. اگر مفهوم ساختار کتاب را اعم از حقوق مادی و معنوی صاحب اثر و پدیدآورنده آن بدانیم، در این صورت باید فاصله مذکور را ضرب در دو کرد.

اکنون در آستانه پانزدهمین سال تولد مرکز پژوهشی میراث مکتوب، وقتی به کارنامه این مرکز می‌نگریم، صرف‌نظر از انتشار نزدیک به چهارصد اثر (۱۷۰ عنوان / ۲۰۰ جلد متن کهن با میانگین هر جلد ۵۰۰ صفحه، ۳۹ شماره فصلنامه علمی — ترویجی آینه میراث با میانگین هر شماره ۴۰۰ صفحه، ۱۵ شماره ضمیمه آینه میراث، ۲۰ شماره ماهنامه گزارش میراث، ۱۱۰ جلد از مجموعه کارنامه دانشوران ایران و اسلام) و برگزاری بیش از ۶۵ نشست چهره‌گشایی و نقد و بررسی — که از لحاظ شکل و محتوا برپایی چنین مجالسی به اعتراف اهل انصاف، بدیع بلکه کم‌نظیر بوده است — مع الوصف آنچه مدیریت این مرکز بیش از همه بدان توجه و اهتمام داشته، اینکه برای رسیدن به وضع مطلوب و استاندارد و معیار، تولید و نشر متون در کشور یک روزمان یکسان نبوده و اگر بوده موانعی بر سر راه داشته که حفظ میراث در شرایطی خاص خط قرمزمان بوده است و لابد منها بوده‌ایم.

تصور می‌کنم در این باب کمتر کسی باشد که با این نیت مدیریت میراث مکتوب هم داستان نباشد. اکنون که صاحب این قلم این اوراق سپید را سیاه می‌کند، در

گزارش میراث می‌کند، این است که یک نسخه از آن نقد را برای مصحح یا ناشر آن اثر می‌فرستد و درخواست می‌کند که اگر توضیحی در خصوص نقد منتشر شده دارد، برای درج در شماره بعدی به مجله بسپارد تا باب همکاری و گفت‌وگو و نقد متقابل رونق گیرد. نمی‌دانم این سنخ کارها قبلاً سابقه‌ای داشته یا نه ولی به نظر می‌رسد ترویج این نوع کارها باید در دستور کار مؤسسات پژوهشی قرار گیرد. اما ساختار یک اثر یا متن منقح را — فی‌الجمله — پنج موضوع را تشکیل می‌دهد که در آینده به تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت:

۱. مقدمه مصحح؛ ۲. متن اثر (نسخه)؛ ۳. تعلیقات؛

۴. نمایه‌ها؛ ۵. منابع.

۱. مقدمه: مصحح باید بداند که در مقدمه اثر، چه چیزهایی را باید بنویسد و چه مطالبی را باید به منابع مربوط ارجاع دهد. مقدمه جای نوشتن مطالب ارزشمند، نویافته‌ها و مباحث متن‌شناسی و نسخه‌شناسی اثر است. هر چیزی که در منابع به وفور هست، درج آن در مقدمه غیرضرور است و هر آنچه درباره مؤلف یا متن اثر در منابع معتبر ذکر نشده یا مبهم آمده، بر مصحح و محقق اثر فرض است که عرض اندام کند و حضور عالمانه و مجدانه خود را نشان دهد.

۲. متن: مصحح اثر باید از راه بررسی فهرس نسخه‌های خطی، بانکهای اطلاعاتی نسخ خطی، پایگاه‌های اینترنتی کتابخانه‌های بزرگ، پرسش از کتابشناسان برجسته و... بهترین نسخه‌ها را شناسایی و کار خود را بر پایه اقدم و اصح نسخه‌ها تحقیق کند. نه اکتفا به یکی دو نسخه برای تصحیح، صحیح است نه افراط در گردآوری تمام نسخه‌های یک اثر. اگر یکی دو نسخه کامل، سالم، نسبتاً صحیح و درست پیدا شد — در صورتی که اثر مربوط به بعد از عصر صفویه است — تلاش برای یافتن و افزودن نسخه‌هایی دیگر چندان سودبخش و راه‌گشا نیست، مگر آنکه فواید تاریخی، محتوایی، زبانی و سبکی و چیزهایی از این قبیل بر آن مترتب باشد.

۳. تعلیقات: در نوشتن تعلیقات، گاه افراط و گاه تفریط می‌شود. تعلیقات یعنی توضیحاتی که محقق برای گره‌گشایی از کار متن، اعم از توضیح واژه و کلمه و اصطلاحی خاص و شرح اسم مکان و شخص و فرقه‌ای ناشناخته و شعری نویافته و غیره می‌نویسد. چه بسیار مطالبی را که می‌توان

صرفاً به منابع موجود ارجاع داد. احترام به شعور خواننده اثر، نکته‌ای مهم در نوشتن توضیحات کتاب است؛ مگر آنکه مصحح اثر کتاب را — مثلاً — به سفارش سازمان «سمت» برای تدریس در دانشگاهها آماده کرده و ناگزیر از نوشتن توضیحات واضح‌تر بوده باشد.

۴. نمایه‌ها: تهیه نمایه‌های ضروری اثر، ارج و منزلتش کمتر از تحقیق و تصحیح نیست. هیچگاه یک محقق و مصحح به تنهایی نمی‌تواند تشخیص دهد که چه مواردی را باید نمایه‌سازی کند. بهتر است با متخصصان موضوع مشورت کند. گاه ضرورت ندارد حتی برای یک متن تفسیری یا قرآنی، فهرست آیات یا احادیث استخراج شود. نمایه‌هایی باید استخراج شود که کمک سودبخشی به محققان برای شناخت بهتر بسامدهای متن می‌کند. میزان فراوانی یک موضوع می‌تواند نشانگر اهمیت فرهنگی یا اجتماعی اثر باشد و قس‌علی‌هذا. در خصوص موضوعات دیگر در نمایه‌ها اهمیت آن به قدری است که اخیراً کتاب مرآت‌الوقایع مظفری چاپ میراث مکتوب به خاطر نمایه‌ها برنده جایزه کتاب فصل شد.

۵. منابع: ذکر منابع و مصادر و مآخذ تحقیق اثر در پایان کتاب به تفصیل نکات کتابشناسی برکسی پوشیده نیست. منتها اگر در اثر آیات و احادیث و اشعار فارسی و عربی وجود دارد، باید با استفاده از نرم‌افزارهای موجود، نشانی و مشخصات مربوطه جستجو شود. برای تحقیق درباره آیات و احادیث به نرم‌افزار معجم آل‌البیت (مشمول بر ۴۵۰۰ جلد کتاب شیعی و صحاح اهل سنت) و نرم‌افزار جامع‌الاحادیث (نسخه ۲) و برای پیدا کردن اشعار فارسی به نرم‌افزار درج (نسخه ۳) و برای یافتن منابع شعری به نرم‌افزار الموسوعة الشعرية و المكتبة الشاملة یا به پایگاه اینترنتی الوراق و یعسوب‌الدین مراجعه کند.

آنچه گفته شد، از نگاه داوران و کارشناسان این مرکز مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد، تا کتاب به مراحل تأیید و تصویب برسد. مصحح اثر باید، نکات یادشده را رعایت کرده باشد. هرچند موارد بسیاری است که بخشهایی از مطالب مذکور را کارشناسان این مرکز انجام می‌دهند؛ این سؤال برای من بی‌پاسخ مانده است که تا چه حد این مرکز باید کار مصحح را اصلاح کند؟ و این پرسش را به «نظرآزمایی» و «اقتراح» می‌گذارم تا اهل نظر، راهنمایی فرمایند.

